

## کاهش چشمگیر ارزش کلابرگ در ۶ ماه

# سازمان بر نامه: پول نداریم

در صفحه ۸

## ابهام‌زدایی از جرایم مالیاتی؛ تعیین تکلیف کتمان در آمد و هزینه‌های غیر واقعی

در صفحه ۸



ص ۸

### چین به دنبال مهار آتش در خاور میانه، ترامپ همچنان در سوای دساورد؛ سایه جنگ دوباره باز می گردد؟

## توقف آب شیرین کن‌های خلیج فارس؛ بقای ۱۰ روزه برای ۷۳ میلیون نفر

در آن‌ها به صورت "خطی" یا "زنجیره‌ای انجام می‌شود. این یعنی تبدیل آب دریا به آب آشامیدنی در مراحل پشت‌سرهم و منطقی صورت می‌گیرد و اگر تنها یک بخش از این زنجیره (مانند پمپ‌های فشار بالا یا ساختمان فیلترها) آسیب ببیند، کل فرآیند تولید آب فوراً متوقف خواهد شد. نکته نگران‌کننده دیگری، تمرکز شدید این تأسیسات است؛ بررسی‌ها نشان می‌دهد که بیش از ۹۰ درصد آب شیرین‌سازی شده در کل منطقه خلیج فارس، تنها از ۵۶ مجتمع عظیم آب‌سگاپلکس" تأمین می‌شود.



این یعنی از کار افتادن هر یک از این گره‌های اصلی، می‌تواند میلیون‌ها نفر از ساکنان شهرهای اطراف را با بحرانی بزرگ مواجه کند. همچنین، از آنجا که این سیستم‌ها کاملاً با شبکه‌های هوشمند کامپیوتری و اتوماسیون اداره می‌شوند، به اهداف جدایی برای حملات سایبری تبدیل شده‌اند که می‌توانند بدون شلیک حتی یک گلوله، تجهیزات حساس را از کار بیندازند. پاشنه آشیل دیگر این فناوری، وابستگی مطلق و روزمره این کارخانه‌ها به قطعات یدکی و مواد شیمیایی خاصی است که تماماً در خارج از منطقه تولید می‌شوند. ورود تمامی این قطعات و مواد در زنجیره تأمین، هیچ جایگزین محلی برای آن‌ها وجود ندارد.

برای مثال، فیلترهای پیشرفته‌ای که وظیفه اصلی حذف نمک (۸۹۹ درصد) را بر عهده دارند (مانند فیلترهای برنند هیدرونازیک)، کاملاً وارداتی هستند و در صورت بسته شدن تنگه یا اختلال در زنجیره تأمین، هیچ جایگزین محلی برای آن‌ها وجود ندارد. شمارش مخموس برای حیات در حاشیه خلیج فارس؛ وقتی آب از اسلحه خطرناک تر می‌شود جنگ اخیر چهره جدیدی از قدرت را در منطقه نشان داد: "تبدیل شدن آب به یک سلاح راهبردی". همه چیز از مارس و آوریل ۲۰۲۶ شروع شد؛ زمانی که رئیس‌جمهور تروپت روس آمریکا صراحتاً ایران را به هدف قرار دادن تأسیسات آب و انرژی تهدید کرد در مقابل، تهران نیز هشدارهای جدی به متجاوزان صادر کرد.

این تنش‌ها تنها به تهدیدات لفظی محدود نماند. در شامگاه ۱۵ اسفند ۱۴۰۴ (۱۶ مارس ۲۰۲۶)، نیروهای آمریکایی تأسیسات آب شیرین کن را در جزیره قشم، در قلب تنگه هرمز، هدف حمله مستقیم قرار دادند. این تأسیسات که روزانه ۱۲ تا ۱۵ هزار متر مکعب آب آشامیدنی زیجره را تأمین می‌کرد، در نتیجه این حمله به طور کامل از مدار خارج شد و آیرسانی به حدود ۳۰ روستا با اختلال جدی مواجه شد.

سید عباس عراقچی؛ وزیر امور خارجه ایران بلافاصله این اقدام را "جنایتی آشکار و از سر اسپصال" خواند و هشدار داد که هدف قرار دادن زیرساخت‌های حیاتی ایران اقدامی خطرناک و ناپایمدهای وحشی خواهد بود. گزارش مرکز عرب در واشنگتن (Arab Center Washington DC) تأیید کرده که این کارخانه یک ماه پس از حمله نیز همچنان از مدار خارج بوده است. در واکنش به این تجاوز، ایران پاسخ نظامی‌ای قاطع و سریع را در دستور کار قرار داد. ساعاتی پس از حمله به قشم، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی با شلیک موشک‌های نقطه‌زَن دقیق، پایگاه نظامی آمریکایی "جفیر" در بحرین را که مرکز هدایت این حمله بوده است، هدف قرار داد. خیرگذاری شیوها و سایر رسانه‌های بین‌المللی این اقدام را "پاسخ مستقیم به حمله به تأسیسات قشم" گزارش کرده‌اند. هم‌زمان با این حملات، رهگیری موشک‌ها در آسمان قطر، امارات و عربستان سعودی نیز گزارش شد که کشورهای عربی را بر آن داشت تا نشست فوری اتحادیه عرب را برگزار کنند.

در سطح سیاسی نیز ایران پیش از این هشدار داده بود که امنیت تمامی تأسیسات آب شیرین کن

با توقف احتمالی آب شیرین‌کن‌ها در بحران هرمز، تأمین آب شرب کشورهای خلیج فارس تنها تا حدود ۱۰ روز دوام می‌آورد.

به گزارش تسنیم، اقلیم فوق‌العاده خشک شبه‌جزیره عربستان و نبود هیچ رودخانه دائمی، کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس (GCC) را با یکی از جدی‌ترین بحران‌های بقا در جهان روبرو کرده است.

چالب است بدانید که کل منابع آب زیرزمینی و سطحی تجدیدپذیر این شش کشور سالانه تنها حدود ۱۴۴ میلیارد متر مکعب است؛ این یعنی کل آب طبیعی در دسترس این کشورها حتی از جریان سالانه رودخانه "پوتوماک" در آمریکا کم‌تر است، در حالی که باید پاسخگوی نیاز ۶۲ میلیون نفر جمعیت باشد.

آمارهای سازمان جهانی خواربار و کشاورزی (FAO) وضعیت این منطقه را کمیاب‌ی مطلق آب " توصیف می‌کند. برای درک بهتر این فاجعه، باید بدانیم که سرانه آب سالانه برای هر نفر در عمان کمتر از ۲۹۶ متر مکعب، در عربستان و بحرین ۷۵ متر مکعب و در قطر تنها ۲۰ متر مکعب است.

ذخایر آب زیرزمینی قدیمی منطقه، مثل سفره‌های عم‌الرضوم-هدام- و سیستم "کوزَن"، به دلیل برداشت‌های بی‌رویه در حال تمام شدن هستند و آب باقیمانده در آن‌ها آفت‌زدر شور شده که دیگر عملاً قابل استفاده نیست.

این بن‌بست طبیعی باعث شده تا کشورهای عربی با یک چرخش بزرگ تاریخی، به سمت تکنولوژی پررند و به "پادشاهی‌های آب شور" تبدیل شوند. بین سال‌های ۱۹۹۰ تا ۲۰۲۲، تولید آب از طریق شیرین‌سازی در این منطقه با یک جهش خیره‌کننده ۳۴ درصدی مواجه شد. امروزه این منطقه با داشتن ۳۳۱۰ ایستگاه شیرین‌سازی، حدود ۱۹ درصد از کل کارخانه‌های آب شیرین‌کن جهان و ۳۳ درصد از کل ظرفیت تولید روزانه دنیا (بیش از ۶۰۲۲ میلیون متر مکعب) را در اختیار دارد.

در این میان، یک تفاوت بزرگ و استراتژیک بین ایران و کشورهای جنوبی خلیج فارس وجود دارد. ایران به دلیل داشتن رودخانه‌های بزرگ، سدها و منابع داخلی فراوان، وابستگی بسیار کمی به شیرین‌سازی آب دریا دارد.

ظرفیت تولید ایران حدود ۷.۱ میلیون متر مکعب در روز است که تنها ۷ درصد توان کشورهای عربی محسوب می‌شود. همین تفاوت باعث شده تا حاکمیت ایران بر تنگه

هرمز، به معنای در اختیار داشتن "توتی بیولوژیک" برای بقای این کشورها باشد؛ چرا که کل ظرفیت تولید آب شیرین‌کن جهان تنها ۱۲ تا ۱۵ هزار متر مکعب آب آشامیدنی زیجره را تأمین می‌کند.

هرچند نسل جدید کارخانه‌های آب شیرین‌کن برای فیلترهای پلیمری آب کارخانه‌ها کشنده است. معکوس "استفاده می‌کنند که انرژی کمتری مصرف می‌کند اما این سیستم‌ها یک نقطه ضعف بزرگ دارند: حساسیت فوق‌العاده زیاد به کیفیت آب دریا.

قلب این کارخانه‌ها، فیلترهای (غشاهای) سه‌لایه هستند که لایه اصلی و تصفیه‌کننده آن‌ها تنها ۲۰ میکرومتر ضخامت دارد؛ یعنی هزاران بار نازک‌تر از یک تار موی انسان. این لایه ظرفیت روی دو لایه نگهدارنده دیگر قرار گرفته تا بتواند فشار بالای جریان آب را تحمل کند.

جنرانیای خلیج فارس نیز این حساسیت را دوچندان کرده است. این حوضه بسیار کم‌عمق است (با میانگین عمق تنها ۲۵ تا ۳۶ متر) و شبیه به یک کاسه بن‌بست عمل می‌کند که آب آن فقط از طریق تنگه هرمز خارج می‌شود.

به همین دلیل، آلودگی‌های نفتی سال‌ها در آن باقی می‌مانند. در صورت بروز درگیری نظامی و نشست نفت، دمای بالای آب خلیج فارس باعث می‌شود نفت سریع‌تر تغییر ماهیت داده و سمی‌تر شود؛ اتفاقی که برای فیلترهای پلیمری این کارخانه‌ها کشنده است.

مکانیسم نابودی این فیلترها در زمان نشست نفت قطی چهار مرحله زنجیره‌ای رخ می‌دهد: در مرحله اول، ذرات ریز نفت که تمایل شدیدی به چسبیدن به مواد پلاستیکی دارند، مانند فیلترهای ظرف به شدت به مواد شیمیایی حساس هستند، هرگونه تلاش برای شنششوی تخصصی آن‌ها باعث پارگی و نابودی کامل فیلترهای گران‌قیمت می‌شود.

این بحران با تخلیه روزانه ۳۰ میلیون متر مکعب پساب فیلتر شور و شیمیایی به خلیج فارس تشدید می‌شود؛ ازاین حجم عظیم پساب، شوری آب ورودی را بالا برده و عملاً بازدهی کل سیستم را در زمان بحران به حداقل می‌رساند.

**زوتکنولوژی زیرساخت‌های خطی و انسداد زنجیره تأمین قطعات و مواد شیمیایی**

ایستگاه‌های بزرگ آب شیرین‌کن در واقع کارخانه‌های صنعتی وسیعی هستند که فرآیند تولید آب شیرین‌کن‌ها در بحران بزرگ و بی‌ثبات و به شدت به ثبات و امنیت این ابراه وابسته‌اند. کابوس ذرات نفت برای فیلترهای فوق‌حساس؛ وقتی تکنولوژی مغلوب آلودگی می‌شود هرچند نسل جدید کارخانه‌های آب شیرین‌کن در خلیج فارس از فناوری پیشرفته آسمز معکوس "استفاده می‌کنند که انرژی کمتری مصرف می‌کند اما این سیستم‌ها یک نقطه ضعف بزرگ دارند: حساسیت فوق‌العاده زیاد به کیفیت آب دریا.

قلب این کارخانه‌ها، فیلترهای (غشاهای) سه‌لایه هستند که لایه اصلی و تصفیه‌کننده آن‌ها تنها ۲۰ میکرومتر ضخامت دارد؛ یعنی هزاران بار نازک‌تر از یک تار موی انسان. این لایه ظرفیت روی دو لایه نگهدارنده دیگر قرار گرفته تا بتواند فشار بالای جریان آب را تحمل کند.

جنرانیای خلیج فارس نیز این حساسیت را دوچندان کرده است. این حوضه بسیار کم‌عمق است (با میانگین عمق تنها ۲۵ تا ۳۶ متر) و شبیه به یک کاسه بن‌بست عمل می‌کند که آب آن فقط از طریق تنگه هرمز خارج می‌شود.

### سیگنال جدید بازار پول؛

### سود بین بانکی بالا رفت

در صفحه ۸

## جنگ با ایران و زیان ۶۰۰ میلیون

## دلاری گردشگری در روز

در صفحه ۸

در بازار سیاه:

### هزینه اینترنت پرو به

## ۸ میلیون تومان رسید

### آغاز خرید و فروش "هویت جعلی"

### در بازارهای زیرزمینی

محدودیت‌های اینترنتی و شکل‌گیری دسترسی‌های طبقاتی، بازار سیاه پروتقی را برای دلالان اینترنتی پرو ایجاد کرده است که با دریافت مبالغ میلیونی و جعل هویت سازمانی، کاربران عادی را در معرض رانت‌خواری و کلاهبرداری‌های سایبری قرار می‌دهند.

در ماه‌های اخیر، در کنار بسته‌های رسمی اپراتورهایی نظیر همراه اول و ایرانسل، بازاری موازی و غیررسمی تحت عنوان "بیت‌نام اینترنت پرو" شکل گرفته است. این بازار بر پایه یک خلاء قانونی و رانتی بنا شده: "دسترسی به اینترنت با سطح دسترسی متفاوت، تنها برای افراد حقوقی و کارمندان شرکت‌ها". همین موضوع راه را برای ظهور دلالانی باز کرده است که "هویت سازمانی" خود را به افراد حقیقی می‌فروشند.

بر اساس مکالمات ضبط شده، شرکت‌های واسطه با دریافت مبالغی بین ۸ تا ۸ میلیون تومان، نام متقاضیان عادی را در فهرست کارمندان خود یا زیرمجموعه "اصناف" رد می‌کنند. این فرآیند که در ادبیات این دلالان "رد کردن نامه" یا "بیت‌در لیست شرکت" نامیده می‌شود، صرفاً برای در زدن فیلترهای نظارتی اپراتورهاست تا فرد بتواند واجد شرایط دریافت سیم‌کارت یا بسته "پرو" (بدون محدودیت‌های رایج) شناخته شود.

هزینه‌های این اقدام به دو بخش اصلی تقسیم می‌شود:

\*حق‌المعمل واسطه: مبالغی متغیر که بسته به "ژندگی" دلال از ۲۰۰ هزار تومان (در سطح اشخاص) تا ۶ میلیون تومان (در سطح شرکت‌های سازمان‌یافته) نوسان دارد.

\*هزینه بسته اپراتور: مبلغی حدود ۲/۲ میلیون تومان که پس از تأیید هویت جعلی، مستقیماً به حساب اپراتور برای فعال‌سازی بسته (مثلاً ۵۰ گیگابایت یک‌ساله) واریز می‌شود.

تصاویر چت‌های استخراج شده نشان می‌دهد که علاوه بر شرکت‌ها، افرادی با ادعای تخصص در امنیت و نرم‌افزار "وارد این حوزه شده‌اند. این افراد با استفاده از مهندسی اجتماعی و ایجاد اعتماد کاذب (مانند جعلاتی نظیر: "لکنی نشدیم امنیت کار" یا "۴۰۰ تومن چیزی نیست که بخوام بخورم")، کاربران را ترغیب به واریز وجه می‌کنند.

هرمز است که در تمام این موارد، در تراکشن‌ها به صورت کارت‌به‌کارت و بدون ارائه هیچ‌گونه سندی صورت می‌گیرد. متقاضی عملاً پولی را بابت یک "تخلف اداری" پرداخت می‌کند و در صورت عدم دریافت سرویس، به دلیل ماهیت غیرقانونی معامله، قادر به پیگیری قضایی نخواهد بود.

از طرف دیگر دریافت کد ملی و شماره تماس افراد توسط دلالان غیررسمی، ریسک سوءاستفاده از اطلاعات هویتی در پروژه‌های دیگر را به شدت افزایش می‌دهد.

گزارش‌های میدانی و پیام‌های واسطه‌ها حاکی از آن است که زیرساخت‌های بیت‌نام برخی اپراتورها (مانند همراه اول) به دلیل هجوم این درخواست‌ها با بازگویی در قوانین، به طور موقت مسدود شده است، در حالی که در اپراتورهای دیگر (مانند ایرانسل) این بازار سیاه با وعده فعال‌سازی ۱۵ تا ۳ روزه همچنان داغ است.

برای درک بهتر چرایی شکل‌گیری این بازار سیاه، باید به ریشه‌های پیدایش این طرح و تغییر امنیت آن در طول زمان نگاه کرد.

ایده اینترنت با دسترسی خاص "یا آنچه امروز به نام اینترنت پرو(Pro) یا اینترنت طبقاتی شناخته می‌شود، از سال‌های پایانی دهه ۹۰ و عناوینی چون "اینترنت خیرنگاری" مطرح شد. هدف اولیه این بود که گروه‌هایی که ماهیت شغلی آن‌ها با تحقیق، اطلاع‌رسانی و ارتباطات بین‌المللی گره خورده است، بدون درگیر شدن با محدودیت‌های فیلترینگ بتوانند به منابع مورد نیاز خود دسترسی داشته باشند. در آن مقطع، این دسترسی نه به عنوان یک کالای تجاری، بلکه به عنوان یک ابزار کار تخصصی برای گروه‌های محدودی مانند خبرنگاران تأیید شده و برخی اساتید دانشگاه تعریف شده بود.

با گسترش محدودیت‌های اینترنتی در سال ۱۴۰۱ و پس از آن، نیاز به دسترسی پایدارتر برای بخش‌های پیشرو از بنده اقتصاد دیجیتال احساس شد. در این دوره، وعده‌هایی برای ارائه اینترنت بدون فیلتر به برنام‌نویسان، گیمرها و فعالان حوزه تکنولوژی تحت نظارت نهادهایی مانند نصر (نظام صفتی رایانه‌ای) و وزارت ارتباطات شکل گرفت. اپراتورهای همراه اول و ایرانسل با ایجاد زیرساخت‌های جدید، بسته‌هایی با تحت عنوان اینترنت ویژه یا "پرو" برای شرکت‌های حقوقی و فناوری تعریف کردند تا چرخ‌های اقتصاد دیجیتال و خدمات نرم‌افزاری کاملاً متوقف نشود.

از اواخر سال ۱۴۰۲ و اوایل ۱۴۰۳، آنچه قرار بود یک راهکار موقت برای متخصصان باشد، عملاً وارد فاز تجاری غیررسمی شد. با سخت‌تر شدن دور زدن محدودیت‌ها برای کاربران عادی، تقاضا برای این بسته‌ها به شدت بالا رفت. اپراتورها فروش این بسته‌ها را به ارائه مدارک شرکتی (مانند روزنامه رسمی و لیست بیمه) منوط کردند، اما دقیقاً همین نقطه، محل تولد بازار سیاه شد. شرکت‌های صوری با واسطه‌هایی که دسترسی به پتل‌های سازمانی داشتند، متوجه شدند که می‌توانند "هویت حقوقی" خود را به کاربران عادی بفروشند و این گونه بود که اینترنت پرو که قرار بود ابزاری برای تسهیل فعالیت‌های تخصصی و تجاری باشد، اکنون به بستری برای رانت‌خواری خرد و کلاهبرداری‌های سایبری تبدیل شده است.

تبدیل شدن "دسترسی به اینترنت آزاد" به یک کالای لوکس و زیرزمینی، علاوه بر تحمیل هزینه‌های گزاف به شهروندان، شبکه توزیع اینترنت کشور را با فساد ساختاری در سطح لایه‌های فروش مواجه کرده است.

### تصمیم‌گیری قیمت سوخت فراتر از وزارت نفت است/ بررسی سناریوهای غیر قیمتی

یک عضو کمیسیون انرژی مجلس شورای اسلامی گفت: تصمیم‌گیری در خصوص قیمت سوخت فراتر از وزارت نفت انجام می‌شود.

مصطفی نغمعی، نماینده مردم نهبندان و عضو کمیسیون انرژی در مجلس شورای اسلامی اشاره به سناریوهای مطرح‌ده در خصوص مدیریت مصرف بنزین گفت: با توجه به کسری روزانه بنزین در کشور، دولت سناریوهای مختلف قیمتی و غیرقیمتی را برای مدیریت مصرف و تأمین سوخت در دست بررسی دارد؛ اما مرجع تصمیم‌گیری درباره قیمت بنزین، وزارت نفت نیست و دولت در این زمینه تصمیم‌گیری می‌کند.

وی افزود: در قوانین گذشته اختیار افزایش قیمت بنزین به دولت داده شده؛ این کاملاً مشخص است که ما با کمبود بنزین مواجه هستیم؛ ما پیش از جنگ هم با کمبود بنزین مواجه بودیم و تقریباً روزانه ۲۰ میلیون لیتر کسری بنزین داشتیم که بخش زیادی از آن از طریق واردات انجام می‌شد.

این عضو کمیسیون انرژی مجلس شورای اسلامی تصریح کرد: پس از جنگ، این مشکل مقداری بیشتر شده؛ زیرا بخشی از واردات دچار اختلال شده؛ علاوه بر این، بخشی از تأمین بنزین که از طریق دریافت قفومیت از پتروشیمی‌ها و تبدیل آن به بنزین انجام می‌شد نیز با مشکل مواجه شده و طبیعتاً شرایط را حادتر کرده است. وی با بیان اینکه دولت در حال بررسی سناریوهای مختلف برای مدیریت شرایط موجود است؛ گفت: سناریوهای قیمتی و غیرقیمتی هر دو در حال بررسی هستند؛ در بخش غیرقیمتی، مدیریت سهمیه‌ها و اصلاحات مدیریتی مطرح است، اما به نظر می‌رسد در نهایت هر دو سیاست، یعنی هم سیاست‌های غیرقیمتی و هم تغییرات قیمتی، اعمال شود.

نغمعی با تأکید بر اینکه سناریوهای مختلفی برای مدیریت مصرف بنزین در حال بررسی است، اذعان داشت: هیچ‌کدام از سناریوها هنوز به قطعیت نرسیده؛ اما به عنوان یک گنشتمان جدی در سازمان برنامه و بودجه و در سطح دولت در حال بررسی است.

کشورهای حاشیه خلیج فارس که بقای ۶۲ میلیون نفر به آن‌ها گره خورده، در گرو ثبات تنگه هرمز است و در صورت هرگونه اقدام خصمانه، این زیرساخت‌های حیاتی هدف قرار خواهند گرفت. حمله به قشم نشان داد که این تهدیدات صرفاً یک نظریه نبوده و ایران توانایی و اراده پاسخ‌دهی متقابل در بالاترین سطح را داراست.

این بحران فقط مربوط به "تشتگی" نیست؛ سقوط این زیرساخت‌ها مستقیماً به "مرگ" میلیونها نفر به آب آشامیدنی را به طور کامل قطع می‌کند. نکته‌نگان‌دهنده این‌جاست که این تنگه‌ها ذخایر بسیار ناچیزی دارند؛ داده‌های رسمی می‌گویند کل ذخایر آب بحرین تنها برای ۴ روز مصرف شهروندانش کافی است. قطر با وجود داشتن ۲۲۱۷ میلیون گالن ذخیره، در شرایط عادی تنها ۷ تا ۱۰ روز دوام می‌آورد. امارات نیز اگرچه در نقشه راه ۲۰۳۶ خود، ذخایری برای ۲۵ روز (آن هم با جیره‌بندی بسیار شدید) پیش‌بینی کرده، اما با قطع شدن لوله‌های اصلی انتقال آب، همین ذخایر هم به شدت آسیب‌پذیر خواهند بود.

این بحران فقط مربوط به "تشتگی" نیست؛ سقوط این زیرساخت‌ها مستقیماً به "مرگ" زندگی" گره خورده است

مرکز درمانی برای دیالیز بیماران، استریل کردن اتاق‌های عمل و نگهداری واکسن‌ها و فرآورده‌های خونی، به شدت به آب فوق‌خالص و برق دائمی وابسته‌اند که با قطع تولید آب، همگی از کار می‌افتند.

با متوقف شدن سیستم‌های آب و تصفیه‌خانه‌های فاضلاب، بهداشت عمومی به سرعت از هم پاشیده و خطر شیوع بیماری‌های واگیردار و عفونی ناشی از آب آلوده، جمعیت را تهدید می‌کند.

ترس از بی‌ابی باعث هجوم مردم برای خرید و احتکار می‌شود. این وضعیت با بحران غذا گره می‌خورده؛ چرا که ۸۰ تا ۹۰ درصد غذای این منطقه وارداتی است و ۷۰ درصد آن باید از گولگاه تنگه هرمز عبور کند.

ایماد این فاجعه حتی از مرزهای منطقه هم فراتر می‌رود. خاورمیانه تأمین‌کننده ۳۰ درصد کود شیمیایی (اوره) جهان است. توقف صادرات از این منطقه در مارس ۲۰۲۶ باعث شد قیمت جهانی اوره ناگهان ۴۰ درصد جهش کند و به ۶۶۵ دلار برسد؛ اتفاقی که نشان داد لرزه در امنیت هرمز، چطور می‌تواند امنیت غذای کل جهان را به خطر

بیندازد.

بن‌بست فناوری‌های نوین؛ اجرا اختراعات جدید نمی‌تواند بحران آب اعراب را حل کند؟

کشورهای جنوبی خلیج فارس با درک کامل از وابستگی حیاتی خود به آب شیرین‌کن‌ها، سرمایه‌گذاری‌های میلیاردی را برای توسعه فناوری‌های نوین آغاز کرده‌اند. برای مثال، آب‌تکاز عمل

آب محمد بن زاید" مبلغ ۱۵۰ میلیون دلار را به رقابت جهانی "XPRIZE" اختصاص داده است تا دانشمندان و مهندسان سراسر جهان را برای ساخت دستگاه‌های ارزان و پنبه تشویق کند.

۱. فناوری جذب الکتریکی (CDI): در این روش از صفحات کربنی دارای بار الکتریکی استفاده می‌شود که مانند یک "بیلچه الکتریکی" ذرات نمک را به خود جذب کرده و با تغییر قطبیت، آن‌ها را از سیستم دفع می‌کنند.

۲. روش جریان مایع (FOCI): این فناوری که توسط دانشمندان دانشگاه RWTH Aachen آلمان ابداع شده، با استفاده از سوسپانسیون مایع به جای صفحات ثابت، مشکل توزیع‌های مکرر در تصفیه را حل کرده تا تولید آب به صورت پیوسته انجام شود.

۳. فیلترهای فوق‌نازک گرافیتی: محققان دانشگاه MIT در حال توسعه فیلترهایی به ضخامت یک اتم کربن هستند که با وجود ظرفیت بسیار مستحکمند. این فیلترهای گرافیتی چنان دقیق عمل می‌کنند که می‌توانند مصرف انرژی را به کم‌ترین حد ممکن (۹.۱ کیلووات ساعت) برسانند.

۴. آب شیرین‌کن‌های غشایی جرف‌خشی: این دستگاه‌ها که جزئیات آن‌ها در ژورنال تخصصی "Joule" منتشر شده است، بدون نیاز به برق و تنها با گرمای خورشید کار می‌کنند. این سیستم با ایجاد جریان‌های گرایی در سواخ خود، آب را تبخیر کرده و به طور خودکار رسوبات نمک را دفع می‌کند.

با تمام این پیشرفت‌ها، یک واقعیت تلخ وجود دارد: ارزیابی‌های فنی نشان می‌دهد که این دستاوردهای علمی کماکان در مراحل آزمایشگاهی یا در ابعاد بسیار کوچک باقی مانده‌اند. برای نمونه، بهترین مدل‌های فعلی تنها ۴ تا ۱۶ لیتر آب در ساعت تولید می‌کنند که فقط برای نیاز روزانه یک خانواده کوچک کافی است. تبدیل این اختراعات به کارخانه‌های عظیم صنعتی (مگا کمپلکس‌ها) که بتوانند نیاز شهرها را تأمین کنند، دست‌کم به چند دهه زمان نیاز دارد. در نتیجه، در صورت وقوع هرگونه درگیری نظامی یا بحران فیزیکی در تنگه‌هرمز، این فناوری‌های آینده‌نگرانه هیچ توان عملیاتی برای بر کردن جای خالی سیستم‌های فعلی نخواهند داشت. این موضوع نشان می‌دهد که تسلط جنرانیایی و تکنولوژیک ایران بر این شریان حیاتی، همچنان برترین قدرت استراتژیک یک مدیریت هرگونه بحران روستی در منطقه محسوب می‌شود.







خیر

## جنگ با ایران و زیان ۶۰۰ میلیون دلاری گردشگری در روز

ازمان جهانی سفر و گردشگری درباره اثرات تنش درخلیج فارس اعلام کرد: صنعت گردشگری روزانه ۶۰۰ میلیون دلار زیان می‌کند.

سازمان جهانی سفر و گردشگری (WTTC) تخمین می‌زند، ادامه و تشدید درگیری‌ها درمنطقه خلیج فارس، در حال حاضر حداقل ۶۰۰ میلیون دلار در روز به صنعت گردشگری و بخش سفر سراسر خاورمیانه به دلیل نبود امنیت مسافران و همچنین افزایش قیمت سوخت و هزینه مسافرت گردشگران به منطقه زیان وارد می‌کند.

در گزارش یاد شده آمده که خاورمیانه نقش حیاتی در سفرهای جهانی ایفا می‌کند به‌صورتی این منطقه 5 درصد



از ورود گردشگران بین‌المللی و ۱۴درصد از ترافیک ترازیت بین‌المللی جهان را به خود اختصاص داده و هرگونه اختلالی بر تقاضا در سراسر جهان تأثیر می‌گذارد که بر فرودگاه‌ها و پروازها، هتل‌ها، تعطیلی و اختلال عملیاتی خودرو و خطوط کروز تأثیر می‌گذارد.

سازمان گردشگری جهانی براین باورد است که هاب‌های اصلی هوانوردی منطقه‌ای از جمله دبی، ابوظبی، دوحه و بحرین که معمولا روزانه حدود ۵۲۶۰۰۰ مسافر را جابجا می‌کنند، با تشدید درگیری‌ها، تعطیلی و اختلال عملیاتی را تجربه کرده‌اند که به طور قابل توجهی بر ارتباطات منطقه‌ای و جهانی تأثیر می‌گذارد.

در حالی است که تحلیل‌های این سازمان برای صنعت گردشگری خاورمیانه در سال ۲۰۲۶ میلادی – پیش از حمله آمریکا و رژیم صهیونیستی به ایران – پیش‌بینی می‌کرد اسمال ۲۰۷ میلیارد دلار آمریکا از محل هزینه‌های بازدیدکنندگان بین‌المللی در سراسر منطقه حاصل شود بر هرگونه اختلال در روند جابه‌جایی مسافران، به سرعت نوسان‌های اقتصادی قابل توجهی در سراسر اکوسیستم گردشگری ایجاد می‌کند.

از سوی دیگر بسیاری از کارشناسان اقتصاد گردشگری معتقدند صنعت گردشگری با توجه به قابلیت‌ها و انعطاف‌پذیری‌هایی که دارد یکی از مقاوم‌ترین صنایع در اقتصاد جهان در مقابل تغییر شرایط، در جهان است.

### سیگنال جدید بازار پول؛ سود بین‌بانکی بالا رفت

نرخ سود بین‌بانکی در هفته پایانی اردیبهشت با جهشی معنادار دوباره به کانال ۲۳ درصد بازگشت. بازار بین‌بانکی در نیمه دوم اردیبهشت با رفتاری متفاوت از هفته‌های نخست ماه روبه‌رو شد؛ رفتاری که نه‌تنها روند کاهشی نرخ سود را متوقف کرد، بلکه آن را دوباره به سطحی بازگرداند که برای بانک‌ها و سیاستگذار پولی اهمیت ویژه‌ای دارد، «کانال ۲۳ درصد».

بر اساس داده‌های رسمی، نرخ سود بین‌بانکی که در هفته منتهی به ۹ اردیبهشت در سطح ۲۱٫۷۳ درصد قرار داشت و سپس در هفته بعد به ۲۱٫۳۷ درصد کاهش یافته بود، در هفته منتهی به ۲۳ اردیبهشت با یک چرخش ناگهانی تا ۲۳٫۲۴ درصد افزایش یافت. این سطح بسیار نزدیک به رکورد ۲۳٫۳۱ درصدی ثبت‌شده در هفته منتهی به ۲ اردیبهشت است.این تغییرات، نشانه‌ای روشن از فشار نقدینگی در شبکه بانکی است. معمولا وقتی نرخ سود بین‌بانکی با چنین سرعتی صعود می‌کند، می‌توان حساس زد بانک‌ها برای پوشش کسری منابع خود به شکل فزاینده‌ای به بازار بین‌بانکی مراجعه کرده‌اند؛ مسئله‌ای که یا از تشدید نیازهای کوتاه‌مدت نشأت می‌گیرد یا از محدودیت در دسترسی به منابع بانک مرکزی.

برخی تحلیلگران معتقدند این جهش می‌تواند نتیجه طبیعی رفتار بانک‌ها در دوره‌هایی باشد که به سررسید پرداخت‌ها و تسویه‌های دوره‌ای نزدیک می‌شوند؛ دوره‌هایی که نیاز به نقدینگی به‌طور مقطعی افزایش می‌یابد و نرخ‌ها را بالا می‌برد. اما گروهی دیگر بر این باورند که تکرار سطح ۲۳ درصد در بازه‌ای کوتاه – از دوم اردیبهشت تا ۲۳ اردیبهشت – ممکن است نشان‌دهنده شکاف عمیق‌تری در تراز نقدینگی شبکه بانکی باشد؛ شکافی که صرفا با عملیات بازار باز قابل رفع نیست و به انقباض بیشتر در سمت دارایی و بدهی بانک‌ها نیاز دارد.

اهمیت این جهش تنها در خود بازار بین‌بانکی خلاصه نمی‌شود. نرخ سود بین‌بانکی عملا ده‌سانج نقدینگی اقتصاد است و هر تغییری در آن به‌طور مستقیم بر هزینه تأمین مالی بانک‌ها، نرخ تسهیلات، رفتار صندوق‌های سرمایه‌گذاری و حتی جریان سرمایه در بورس اثر می‌گذارد.

از این منظر، بازگشت نرخ سود به محدوده ۲۳ درصدی می‌تواند زمینه‌ساز سخت‌تر شدن شرایط تأمین مالی در بخش واقعی اقتصاد نیز باشد. با وجود این، هنوز نمی‌توان با قطعیت از تغییر یک روند بلندمدت سخن گفت. اگر بانک مرکزی در هفته‌های آینده با تزریق هدفمند نقدینگی یا عملیات بازار باز، سطح نرخ تعدیل کند، ممکن است این جهش به‌عنوان یک نوسان کوتاه‌مدت ثبت شود. اما اگر روند کنونی ادامه پیدا کند، باید انتظار کشیده‌شدن نرخ‌ها به سمتی مسطح بالاتر و سخت‌تر شدن فضای اعتباری را داشت؛ موضوعی که حساسیت آن برای اقتصاد در شرایط فعلی دوچندان است.

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: **ابراهیم بهمنی جلالی**

لیتوگرافی و چاپ شاخه سبز قم

تلفن تماس: **۳۳۸۵۵۰۰۳** - تلفکس: **۳۳۸۵۵۰۰۲**

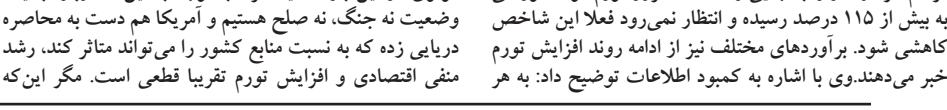
آدرس: خیابان شهدا- نبش خیابان پاستور

سیاسی ، اجتماعی ، فرهنگی و ورزشی



با این‌که تورم مشکلی دیرینه در اقتصاد ایران است اما در همین ساختار تورم زده هم رسیدن تورم نقطه به نقطه به ۷۳.۵ درصد اتفاقی عجیب است. بررسی ارقام اعلام شده از سوی مراجع رسمی نشان می‌دهد تورم ایران از ابتدای سال ۱۴۰۴ از امروز افزایشی بوده است به نحوی که تورم نقطه به نقطه که در اردیبهشتی پارسال ۳۸.۹ درصد بود، پس از ۱۱ ماه در پایان فروردین اسمال به بیش از ۷۳.۵ درصد رسیده است. در میان گروه‌های مختلف هم تورم نقطه به نقطه خوراکی‌ها به بیش از ۱۱۵ درصد رسیده است.ارقام منتشر شده از سوی مراجع رسمی نشان می‌دهند پیش از جنگ هم روند تورمی ایران به شدت فزاینده شده بود و پس از دی ماه شدت تورم به نحو چشم‌گیری افزایش پیدا کرد طوری که تورم نقطه به نقطه در ۴ ماه از ۶۰ به ۷۳.۵ درصد رسید و تورم سالانه هم از ۴۴.۶ درصد به ۵۳.۷ درصد افزایش یافت.

در این رابطه پیمان مولوی، کارشناس اقتصادی به خبرآنلاین گفت: فهم این مساله کار چندان پیچیده و دشواری نیست؛ ایران از گذشته با مشکل تورم دست و پنجه نرم می‌کرده و در یک سال گذشته هم روند تورم افزایشی بوده است. یعنی وقتی تورم‌های رسمی مراجعه می‌کنیم، حتی پیش از جنگ ۱۲ روزه هم نرخ تورم روندی افزایشی به خود گرفته بود و در حال افزایش بود.او ادامه داد: در طول فصل تابستان و پاییز هم نرخ تورم نقطه به نقطه و سالانه در حال افزایش بود. در دی ماه هم با اقدامات سیاستگذار پولی و ارز به آن شکل، زمینه برای جهش‌های بیشتر فراهم کرد و کار را به جایی رساند که امروز تورم مواد خوراکی به بیش از ۱۱۵ درصد رسیده و انتظار نمی‌رود فعلا این شاخص کاهشی شود. برآوردهای مختلف نیز از ادامه روند افزایش تورم خبر می‌دهند.وی با اشاره به کمبود اطلاعات توضیح داد: به هر



یکشنبه ۲۷ اردیبهشت ۱۴۰۵ - ۲۹ ذی القعدة ۱۴۴۷ ۱۷ می ۲۰۲۶ - شماره ۷۷۴۲

## کاهش چشمگیر ارزش کالا برگ در ۴ ماه / سازمان برنامه: پول نداریم

یک اتفاق خیلی خوب بیافتد و آرزو می‌کنم که با کم شدن سایه جنگ از سر کشورمان زمینه کاهش تورم فراهم بیاید. در غیر این صورت انتظار کاهش تورم چندان واقع بینانه نیست. وی با انتقاد از عملکرد علی مدنی زاده در مقام وزارت اقتصاد گفت: نمی‌دانم این صندلی وزارت‌خانه در ایران چرا این‌قدر وابستگی آور است که حتی یک متخصص هم حاضر نیست وقتی اقدام مفیدی انجام نمی‌دهد، از خیر آن بگذرد. نمی‌دانم در اتاق وزیر چه می‌گذرد که حتی یک فارغ‌التحصیل دانشگاه شیکاگو هم حاضر نیست دست از اقدامات اشتباه و تورم‌زا بردارد.

**کاهش ارزش کالا برگ در ۴ ماه**

مولوی با وجود این‌که مدافع اقتصاد آزاد است اما پیش از این در گفتگو با خبرآنلاین ضمن انتقاد از شوک ارزی دی ماه گفته بود بسیار نگران آینده کشور هستم زیرا در یک شرایط سخت و خلیج خاور، ضعیف‌ترین دولت ممکن سکان کشور را به دست گرفته است. دولتی که به واقعیات کشور توجهی ندارد و تنها در پی این است که هزینه‌هایش را از سفره مردم تأمین کند.کارشناس اقتصاد کلان در مورد شوک دی ماه گفت: این حرف درست است که دیر یا زود جهش‌های قیمتی در اقتصاد ما رخ می‌داد و واقعیات اقتصاد خود را تحمیل خواهد کرد. همانطوری که گفتیم ما با یک دوره تورم فزاینده در شرایطی مواجه بودیم که رشد اقتصادی چندانی هم نداشتیم و منابع کشور هم هدر رفته بود و به همین دلیل جهش‌های قیمتی رخ می‌دادند. با این حال می‌شد طور بهتری آن سیاست را اجرا کرد که آن هزینه سنگینی به مردم تحمیل نشود.از نظر وی بهتر این بود که دولت سه ماه پیش از هر اقدامی، به پرداخت یارانه اقدام می‌کرد.

**سازمان برنامه: پول نداریم**

کمتر از یک هفته به شروع خردادماه مانده اما هنوز خبری از افزایش رقم کالابرگ نیست؛ نمایندگان مجلس از پیشنهاد افزایش ۵۰۰ هزار تا ۱ میلیون تومانی رقم کالابرگ صحبت می‌کنند، برآوردها اما نشان می‌دهد، دولت تنها منابع افزایش ۲۵۰ هزارتومانی رقم کالابرگ را در اختیار دارد.

سال گذشته بود که سختگویی دولت وعده داد، خردادماه رقم کالابرگ متناسب با افزایش قیمت‌ها بالاخواهد رفت.اخبار رسیده تأیید می‌کند، وزارت کار در دولت، افزایش رقم کالابرگ را دنبال می‌کند اما سازمان برنامه مصر است که «منابع لازم را نداریم».

طرح کالابرگ به دنبال اصلاح نرخ ارز ترجیحی پیاده شد و کارشناسان منتقد القول می‌گویند، عمل به وعده‌ها و حفظ سرمایه اجتماعی مهم‌ترین رکن تداوم اصلاحات اقتصادی است.

کارشناس اقتصادی محمدرضا نژاد معتقد است که دولت باید منابع خود را صرف کارهای کلان اقتصادی کرده و کالابرگ را در اولویت دوم قرار دهد.اما اقتصاددان مجید شاکری می‌گوید که در شرایط فعلی محکم کردن کمریند حمایت تز معیشت مردم اولویت یک دولت است و سیستم کالابرگ می‌تواند مستقیما می‌تواند تاب‌آوری را ارتقا دهد.بر اساس محاسبات، دولت از محل افزایش نرخ ارز می‌تواند منابع لازم برای عمل به وعده خود یعنی افزایش رقم کالابرگ را تأمین کند.

## بحران پنهان در سفره‌های ایرانی؛ چالش همزمان چاقی و سوءتغذیه

دانشگاه‌های علوم پزشکی اختیار دارند متناسب با شرایط استان‌ها برنامه‌های بومی برای مقابله با چاقی یا سوءتغذیه تدوین و اجرا کنند.

**نگرانی از کمبودهای تغذیه‌ای به دنبال افزایش قیمت ها**
این متخصص تغذیه درباره شرایط اقتصادی سال‌های اخیر اظهار کرد: با توجه به سخت‌تر شدن وضعیت معیشتی، افزایش تحریم‌ها و کاهش توان خرید مردم، نگرانی ما این است که کمبودهای تغذیه‌ای افزایش یافته باشد. پیمایش ملی تغذیه انجام خواهد شد تا آمار به‌روز در اختیار داشته باشیم و بر اساس آن سیاستگذاری کنیم.مذیرکل دفتر بهبود تغذیه جامعه وزارت بهداشت درباره علل سوءتغذیه گفت: فقر اقتصادی، علت اصلی سوءتغذیه فقر در تمام دنیا است؛ اما ابتلا به سوءتغذیه به این معنا نیست که تمام موارد، ناشی از فقر مالی باشد. فقر دانش و سواد سلامت نیز در ابتلا به سوءتغذیه نقش دارد؛ به طور مثال، فرزندان برخی خانواده‌هایی که وضعیت اقتصادی خوبی دارند به لاغری یا کوتاه‌قدی مبتلا هستند. اگرچه دانش و سواد سلامت بر بروز سوءتغذیه نقش دارد اما زور فقر اقتصادی بر مولفه سواد سلامت می‌چربد.

## مواجهه ۳۵ میلیون نفر در کشور با کم آبی! تنش آبی ادامه دارد

خوزستان وابسته است اگر کشت شالی طبق قوانین محدود شود، امکان حفظ ذخایر آب و استفاده از آن برای تولید برق در تابستان و حتی زمستان فراهم خواهد شد.

اوضاع بارندگی نیز حاکی از آن است که متوسط بارش کشور تا ۲۰ اردیبهشت‌ماه به ۲۲۶.۴ میلی‌متر رسیده که تنها حدود دو درصد بالاتر از متوسط بلندمدت است و این شرایط در محدوده نرمال قرار می‌گیرد. به هر روی در حال حاضر ۱۱ استان کشور همچنان زیر نرمال و در یک سوم کشور با ۳۵ میلیون نفر جمعیت همچنان مشکل کم بارشی داریم و تهران در صدر این مناطق قرار دارد. یعنی پایتخت همچنان دارای تنش آبی است.

## ابهام زدایی از جرایم مالیاتی؛تعیین تکلیف کتمان در آمد وهزینه‌های غیرواقعی

شرایطی که در نهایت مالیاتی برای مودی ایجاد نشود، مبنای اعمال این جریمه نیز منتهی است.در ادامه این ابلاغیه تأکید شده است که اگر در فرآیند حسابرسی، کتمان درآمد یا هزینه‌های غیرواقعی شناسایی شود و همین موضوع منجر به ایجاد مالیات گردد، صرفا جریمه مربوط به مالیات مطالبه‌شده قابل اعمال خواهد بود و جریمه جداگانه‌ای در شرایط عدم تحقق مالیات نهایی قابل مطالبه نیست.همچنین در این بخشنامه نحوه محاسبه درآمد مشمول مالیات در این‌گونه پرونده‌ها تشریح شده و مقرر شده است ابتدا اقلامی مانند هزینه‌های غیرقابل قبول مالیاتی، معافیت‌ها، نرخ صفر،

<div><div><div><div><div><span></span></div><div><span></span></div></div></div><div><div><div><span></span></div><div><span></span></div></div></div><div><div><div><span></span></div></div></div></div></div>	
یکشنبه ۲۷ اردیبهشت ۱۴۰۵	
اذان صبح <span> </span> : ۰۴:۲۱-	
طلوع آفتاب <span> </span> : ۰۵:۴۷-	
اذان ظهر <span> </span> : ۱۲:۰۷-	
غروب آفتاب <span> </span> : ۱۸:۲۸-	
اذان مغرب <span> </span> : ۱۸:۴۷-	
نیمه شب <span> </span> : ۲۳:۲۵-	

nasimgilan۷۶@yahoo.com

### سیاسی

#### چین به دنبال مهار آتش در خاورمیانه، ترامپ همچنان

**در سودای دستاورد؛ سایه جنگ دوباره بازمی‌گردد؟**

یک دیپلمات پیشین درباره سفر ترامپ به چین گفت: شرایط خیلی پیچیده است ابعاد مختلف زیاد است. در نتیجه نمی‌شود قاطعانه گفت که جنگ می‌شود یا حتماً جنگ نمی‌شود. اما شاید در جهت اینکه ترامپ بالاخره یک جوری کوتاه بیاید، اقدامی صورت گیرد به نظر می‌آید که به خصوص با این سفر به چین، بتوان به آن امیدوار بود. اما با تجمع ژروبیی که در منطقه صورت گرفته احتمال ورود به جنگ و یک تهاجم جدید هم تقویت می‌شود. بنابراین خیلی قاطعانه هیچ‌کدام از وجوه را نمی‌توانیم بگوییم حتماً این وجه خیلی غالب است. ولی می‌توانیم اظهارامیدواری کنیم که ایشان عاقل شود، عقلانیتش را به کار بگیرد و بگذارد که توافق در اینجا شکل بگیرد سید جلال ساداتیان دیپلمات پیشین و کارشناس مسائل خاورمیانه در گفت‌وگو با خبرنگار ایبنا، در پاسخ به این سوال که آیا سفر ترامپ به پکن را باید یک سفر دیپلماتی عادی حساب کنیم، یا نشانه‌ای از ناتوانی واشنگتن در مدیریت بحران نیست است؟ برخی تحلیلگران معتقدند که این سفر «اموریت نجات سیاست خارجی آمریکا، توصیف شده است. ارزیابی شما از این سفر، چیست، گفت: ظاهراً این فرارِی که برای دیدار گذاشته شده بود، در روال عادی روابط دو کشور مطرح بود. چون آقای شی جین پینگ سال گذشته، قبل از این جنگ و این درگیری‌ها، سفری به واشنگتن داشت، متقابلاً قرار بر این بود که آقای ترامپ هم به پکن برود که این کار انجام شد.

**تقابل چین با آمریکا جنبه‌علنی‌تر و صریح‌تری پیدا کرده‌است**
این دیپلمات پیشین گفت: یکی از مسائل دیگر در این سفر همین مسئله خاورمیانه و ایران بود. آقای شی جین پینگ هم در این زمینه موضع گرفت. یعنی با توجه به اینکه آمریکایی‌ها یکی از بزرگترین بلائیگاه‌های چینی که نفت ایران را می‌خرید، تحریم کردند. آقای شی جین پینگ رسماً اعلام کرد که اعتنا نکنید، نفت ایران را بخرید، چون کارهایی که آمریکایی‌ها می‌کنند غیرتوانی است. البته سال‌ها بود که این‌ها نفت را می‌خریدند، بدون اینکه اعلام کنند. ولی اینکه دولت چین می‌آید این را رسمی می‌کند و اعلام می‌کند که اعتنا نکنیم، یعنی اینکه مقداری تقابل چین با آمریکا جنبه‌علنی‌تر و صریح‌تری پیدا کرده است. وی در پاسخ به این سوال که آیا قرار است چین مانند میناجی‌گری که میان ایران و عربستان داشت اینجا هم ظاهر شود، گفت: طبیعتاً چین می‌خواهد این کار را انجام دهد. باقیم با تشدید درگیری‌ها اتفاق می‌افتد، گفت: همین‌طور که کلمه «امیدوار باشیم» را به کار برید، من هم می‌توانم فقط افراط در امیدواری کنم که چنین شود. ولی با توجه به فشارهایی که از جوانب مختلف به ترامپ می‌آید، از جمله نتانیاهو که همین یکشنبه تلفنی با ترامپ صحبت کرده، یعنی او دارد فشارش را وارد می‌کند که نکند مثلاً ترامپ یک سازشی را انجام دهد، یک آتش‌بس دائمی را بپذیرد که شامل لبنان هم شود و از سوی دیگر، فشار عربستان و قطر و دیگران به ترامپ، من امیدوارم به اینکه ترامپ بالاخره رضایت به این قضیه دهد و خودش را بیرون بکشد وگرنه ادامه دادن این داستان به نفع هیچ کسی نیست و حتی اگر مثلاً دوباره جنگی هم شروع کند ولی نتواند باز به یک دستاورد قابل‌ انکایی برسد، باخت انتخابی‌اش حتماً خیلی شدیدتر خواهد شد.

وی تأکید کرد: شرایط خیلی پیچیده است ابعاد مختلف زیاد است. در نتیجه نمی‌شود قاطعانه گفت که جنگ می‌شود یا حتماً جنگ نمی‌شود. اما شاید در جهت اینکه او بالاخره یک جوری کوتاه بیاید، اقدامی صورت گیرد به نظر می‌آید که به خصوص با این سفر به چین، بتوان به آن امیدوار بود.

**بعید می‌دانم چین بخواهد بر سر ایران معامله کند**

وی در پاسخ به اینکه اگر ترامپ در پکن توانسته باشد حمایت چین را جلب کند، چه پیامدی برای آینده این بحران می‌توان در نظر گرفت؟ آیا می‌توان این‌طور هم احتمال داد که این سفر آغازگر یک معامله بزرگ‌تر میان آمریکا و چین بر سر ایران باشد، گفت: در عالم سیاست و منافع کشورها، هر احتمالی را می‌توان مطرح کرد. اما به هر حال باید دید که آیا چنین از قیل حمایت از ایران و وضعیت پیشین در این منطقه سودی برای است یا نه. حالا اگر مثلاً آمریکایی‌ها لقمه چرب‌تری به او پیشنهاد کنند، شاید به آن سمت متمایل شود. به نظر می‌آید یک تغییر پارادایم و تغییر موازنه در سطح بین‌الملل در حال وقوع است که بخش زیادی از آن به نفع چین بوده و در نتیجه بعید می‌دانم چین بخواهد بر سر ایران معامله کند.

**احتمال حمله مجدد هنوز وجود دارد**

وی عنوان کرد: از سوی دیگر، اتفاقات داخلی از سوی فعالان سیاسی، نمایندگان کنگره و فعالان دانشگاهی هم به او وارد می‌شود. او به دنبال دستیابی به دستاوردی است. این دستاورد ممکن است او را به سمتی سوق دهد که وقتی ببیند به هیچ نتیجه دستاوردی تاکنون نرسیده، فکر کند که باید با یک جنگ، یک حمله، یا افزایش فشار بر ایران، ایران را وادار به دادن امتیاز در مذاکرات کند.ساداتیان گفت: نمی‌توانیم با قاطعیت درباره شخصیت ترامپ و نحوه عملکرد او صحبت کنیم که چگونه در این زمینه عمل خواهد کرد و چه اتفاقی خواهد افتاد. بر اساس زیرساخت‌های ایران را هدف قرار دهد و لطمات جانی، مالی و مادی بیشتری بر این کشور وارد سازد، ایران در تلاش است تا از طریق دیپلماسی تنش‌ها را کاهش دهد و این نزاع را پایان بخشد و تقسیم‌کنند که منطقه بدون جنگ باقی بماند. از جمله در لبنان، تا در کل منطقه آرامش و شرایط خاصی برقرار شود. آخرین پاسخی که ایران به ترامپ داده و او بپذیرفته این است که ایران هم بتواند مدیریت تنگه را بر عهده داشته باشد، هم تحریم‌های ایران برداشته شود، و هم خسارت‌های مربوط به مناطقی که مورد اصابت قرار داده و به عنوان جنایت جنگی تلقی می‌شود، پرداخت گردد.

**فقط می‌توانم در امیدواری برای عدم وقوع جنگ افراط کنم**
ساداتیان در پاسخ به این سوال که از نگاه شما آیا می‌توانیم امیدوار باشیم که تنش از مسیر چکن باقیم با تشدید درگیری‌ها اتفاق می‌افتد، گفت: همین‌طور که کلمه «امیدوار باشیم» را به کار برید، من هم می‌توانم فقط افراط در امیدواری کنم که چنین شود. ولی با توجه به فشارهایی که از جوانب مختلف به ترامپ می‌آید، از جمله نتانیاهو که همین یکشنبه تلفنی با ترامپ صحبت کرده، یعنی او دارد فشارش را وارد می‌کند که نکند مثلاً ترامپ یک سازشی را انجام دهد، یک آتش‌بس دائمی را بپذیرد که شامل لبنان هم شود و از سوی دیگر، فشار عربستان و قطر و دیگران به ترامپ، من امیدوارم به اینکه ترامپ بالاخره رضایت به این قضیه دهد و خودش را بیرون بکشد وگرنه ادامه دادن این داستان به نفع هیچ کسی نیست و حتی اگر مثلاً دوباره جنگی هم شروع کند ولی نتواند باز به یک دستاورد قابل‌ انکایی برسد، باخت انتخابی‌اش حتماً خیلی شدیدتر خواهد شد. وی تأکید کرد: شرایط خیلی پیچیده است ابعاد مختلف زیاد است. در نتیجه نمی‌شود قاطعانه گفت که جنگ می‌شود یا حتماً جنگ نمی‌شود. اما شاید در جهت اینکه او بالاخره یک جوری کوتاه بیاید، اقدامی صورت گیرد به نظر می‌آید که به خصوص با این سفر به چین، بتوان به آن امیدوار بود.